



دوشنبه اول مرداد ۱۴۰۳
وطن امروز | شماره ۴۰۹۰

فرهنگ و هنر

اخبار

محمدبهرامی سرپرست خانه تئاتر شد

طی حکم هیات‌مدیره مرکزی خانه تئاتر، محمدبهرامی به عنوان سرپرست این خانه انتخاب شد. هیات‌مدیره خانه تئاتر در جلسه روز گذشته محمدبهرامی، عضو هیات‌مدیره خانه تئاتر و مدیر روابط عمومی را به عنوان سرپرست خانه تئاتر منصوب کرد. در متن حکم هیات‌مدیره خانه تئاتر آمده است: احراما به اطلاع می‌رسانیم پیرو مصوبه هیات‌مدیره مرکزی خانه تئاتر مورخه ۱۴۰۳/۴/۲۳ حضر تعالی را به عنوان سرپرست خانه تئاتر تا انتخاب مدیرعامل جدید در خانه تئاتر منصوب می‌کنیم. محمدبهرامی، از فعالان با سابقه و قدیمی حوزه هنرهای نمایشی کشور است که از سوابق کاری و اجرایی او می‌توان به مدیریت روابط عمومی تئاترشهر، مرکز هنرهای نمایشی و خانه تئاتر اشاره کرد.

«مسافری از گانورا» در راه چین

انیمیشن سینمایی «مسافری از گانورا» به کارگردانی احمد علمدار و تهیه‌کنندگی محمدحسین علمدار در بخش رقابتی ششمین دوره «جشنواره جهانی کودکان یکن» که از ۲۲ تا ۲۸ جولای برابر با دوم تا هشتم مرداد سال جاری در یکن برگزار می‌شود، به نمایش درمی‌آید و با سایر فیلم‌های حاضر در جشنواره برای کسب جایزه «گل طلایی» قایت خواهد کرد. این جایزه با حمایت کمیته علوم و آموزش کودکان که بزرگ‌ترین انجمن ترویج فرهنگ و هنر کودکان در کشور چین است، بر گزار می‌شود که نخستین بار سال ۲۰۱۹ راه‌اندازی شد. اکنون بعد از گذشت ۶ سال، این جشنواره به بزرگ‌ترین جشنواره فیلم مختص کودکان در کشور چین تبدیل شده است و امسال برنامه‌های جنبی و ترویجی و متنوعی به جشنواره اضافه شده است. «جشنواره جهانی فیلم کودک یکن» جشنواره‌ای غیرانتفاعی است که توسط بنیاد صلیب سرخ چین حمایت می‌شود و هر ساله بیش از ۵ میلیون کودک و نوجوان، مخاطب آنلاین این جشنواره هستند، همچنین نمایش فیلم‌ها به صورت فیزیکی در سینماها، مدارس و مراکز هنری انجام می‌پذیرد.

نمایش ویژه «دونده»

در سینما تک خانه سینما

هشتمین جلسه سینما تک خانه سینما، به مناسبت چهلمین سال ساخت و نمایش فیلم «دونده» ساخته امیر نادری، شاهد برنامه‌ای ویژه خواهد بود. در این برنامه نسخه‌ای مرمت‌شده از فیلم «دونده» به کارگردانی امیر نادری در نمایش در خواهد آمد. پس از آن رضا صانعی و مازیار فکری‌ارشاد درباره فیلم و جایگاه آن در تاریخ سینمای ایران (بویژه پس از پیروزی انقلاب) سخن خواهند گفت. سپس گفت‌وگوی ویدئویی میان امیر نادری و رامین بحرانی درباره خاطرات نادری از زمان تولید فیلم و تاثیر «دونده» بر فیلمسازان ایرانی نسل‌های بعد نمایش داده می‌شود. این گفت‌وگو به زبان انگلیسی انجام شده و توسط سینما تک خانه سینما به شکل اختصاصی ترجمه و زیرنویس شده است. هشتمین برنامه سینما تک خانه سینما، روز چهارشنبه سوم مردادماه ساعت ۱۷ در سالن زنده‌یاد سیف‌الله داد خانه سینما برگزار خواهد شد.

«رئیس کل»

به شبکه نمایش خانگی آمد

مستند «رئیس کل» از ساعت ۱۸ روز یکشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۳ در بخش «سینمای دیگر» فیلم‌تک عرضه شد. این بخش، ویژه نمایش فیلم‌های مستند، کوتاه و هنری در فیلم‌تک راه‌اندازی شده و برای تماشای آثار «سینمای دیگر» داشتن اشتراک فیلم‌تک لازم است. مستند «رئیس کل» به کارگردانی محمد مرعی، زندگینامه سیدمحسن نوربخش یکی از شخصیت‌های اقتصادی ایران را به تصویر می‌کشد. مستند «رئیس کل» نگاهی عمیق به زندگی و دستاوردهای محسن نوربخش یکی از چهره‌های نام‌آشنای اقتصادی ایران در ۳ دهه اول انقلاب اسلامی دارد. این فیلم به روایت خانواده، همکاران، دوستان و حتی مخالفان نوربخش می‌پردازد و تصویری جامع از این شخصیت را نمایش می‌دهد.

یک جایزه دیگر در انتظار کاپولا

فرانسیس فورد کاپولا، کارگردان برنده اسکار امسال در مرکز کندی تجلیل می‌شود. این فیلمساز که به تازگی با جدیدترین فیلمش «گانگویولیس» در جشنواره فیلم کن حضور داشت، در بیانیه‌ای از اینکه در طول زندگی حرفه‌ای خود با هنرمندان بزرگ و افراد فوق‌العاده همکاری کرده ابراز خوشحالی کرد و افزود: هرگز یادگیری را متوقف نکردم و هیچ افتخاری بالاتر از این نیست که در کنار کسانی قرار بگیرم که به من الهام بخشیدند، به کسانی که به آنها نگاه کردم و در زمان‌های تاریک به من دلگرمی دادند. گروه راک «گریت فول ده»، بانی رایت، خواننده و ترانه‌سرای برنده گرمی، آرتور ساندوال نوازنده جاز و نوازنده پولو همرا کاپولا از دریافت‌کنندگان جایزه ۲۰۲۴ و آثار کندی هستند. هر یک از این چهره‌ها برای دستاوردهای هنری خود بارها تجلیل شده‌اند. مرکز افتخارات کندی، از سال ۱۹۷۸ هر سال افرادی را که تل و بود فرهنگ را از طریق هنرهای نمایشی بسط داده‌اند، شناسایی و از آنها تجلیل می‌کند.

«جیرفت» در ایتالیا روی پرده می‌رود

انیمیشن کوتاه «جیرفت» ساخته مرجان کشتانی از تولیدات مرکز گسترش سینمایی مستند، تجربی و پویانمایی به بخش مسابقه جایزه تماشاگران سی و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «مگامگرم» در ایتالیا راه یافت. این انیمیشن برگرفته از جیرفت و تمدن ایران است. روی یک ظرف سفالی ۲ حیوان عقاب و مار هستند. عقاب نمادی از آب‌های آسمانی، برکت و رشد و مار هم نشانی از آب‌های زیرزمینی است. در ۲ تماشای از زندگی هستند. انیمیشن کوتاه «جیرفت» علاوه بر بخش مسابقه جایزه تماشاگران، برای بخش فرهنگ تصویر متحرک هم انتخاب شده است. موزه خاطرات باستان‌شناسی روروتو (میراث جهانی) که به مباحث باستان‌شناسی و فرهنگی علاقه‌مند است، این جشنواره را سال ۱۹۹۰ میلادی تاسیس کرد و از سال ۲۰۲۱ جشنواره به نام «رم» تغییر کرد. هدف این جشنواره اطلاع‌رسانی درباره حفظ و ارتقای میراث جهانی و تحقیقات باستان‌شناسی است. جشنواره «رم» ایتالیا از ۱۱ تا ۱۵ مهرماه برگزار می‌شود.

حضرت امام حسن عسکری ۴

تمام پلیدی‌ها و زشتی‌ها در خانه‌های نبوده شده که کلید آنها دروغ‌گوئی است.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: زما شکیبایی
سرمدیر: سید علیدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۱۳۷۹۲ | تلفن: ۶۶۱۳۷۸۲ | نمابر: ۶۶۱۴۱۳۷
پيام‌رسان: @vataneemrooz | پست الکترونیک: info@vataneemrooz.ir
چاپ: موسسه جلم‌جرم برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰



این رگه‌ها را یکجا در متن بگنجانند. نتیجه چه شده است؟ فیلمنامه‌ای که به وضوح نیمه‌تمام است و اگر حوصله بیشتری صرف نگارش آن می‌شد، حتماً بسیار منسجم‌تر، کم‌زایدتر و هدفمندتر از آب در می‌آمد. پس «بیبیدن» فیلم قابل توجهی است، چون به سوزه جالب توجهی پرداخته اما برای تبدیل شدن به فیلم خوب، موانعی پیش رو دارد.

از سوی دیگر انتخاب بازیگران در فیلم تاثیر زیادی در چندپاره شدن آن داشته است. از یک سوال‌ناز شاکردوست تلاش کرده یکی از بازی‌های قوام‌یافته‌اش را تحویل مخاطب دهد و از سوی دیگر اشتباه مطلق در انتخاب سروش صحت به عنوان پدر دختر متوفی، فیلم را با صورت به زمین کوبیده است. گویی باید پذیرفت صحت کارگردان و نویسنده‌ای بسیار جذاب و دلنشین است و بازیگری بسیار بد و نجسب. از سوی دیگر جفت و بست بازی گلاره عباسی و پژمان جمشیدی درست از آب در نیامده، در واقع جهان این پدر و مادر نخرانشیده از آب درآمده است. در این بین مینا وحید، نقشی را بازی کرده که به لحاظ لحن و نگاه و زبان بدن همخوانی ذاتی خوبی با خودش دارد. برجسته‌ترین بازی فیلم اجرای نوبت پورفرح در نقش باز پرس است که از مجموع بازی‌های فیلم درخشان‌تر است.

اما در این بین نکته اصلی کجاست؟ تدوین، تدوین و تدوین. فیلم صحنه‌ها و پلان‌های شلخته و اضافه بسیاری دارد که با یک تدوین سختگیرانه و منسجم سر حوصله و فرصت و حذف دقایقی از فیلم، می‌توان امیدوار بود انسجام بیشتری در روایت و حتی حسسی که از بازی بازیگران منتقل می‌شود، نصیب مخاطب شود. «بیبیدن» را باید کنار سایر آثاری قرار داد که به هر قیمت که شده تلاش کردند به جشنواره برسند و از تدوین‌های نیبند و عجولانه‌شان (در کنار عجله در نگارش فیلمنامه، کارگردانی، بازی و...) هم ضربه خوردند. «بیبیدن» در ساختار و شکل‌دهی به بدنه خودش، دچار پراکندگی و سردرگمی نسبی است و به بدنی پراکنده بدل شده که بازنگری در تدوین آن می‌تواند این پراکندگی را بکاهد.

اما نکته جالب توجه آن است که بزرگ‌ترین خدمت به «بیبیدن» از سوی جشنواره رقم خورد. در واقع بیرون نگه داشتن فیلم به بخش مسابقه اصلی جشنواره و حواشی خبری و رسانه‌ای اطراف این مساله، به برگ برنده‌ای برای فیلم «بیبیدن» تبدیل شد تا نگاه‌ها را به سوی خودش جلب کند و این ویژگی حتماً در موعدها اکران به کمک فیلم خواهد آمد. «بیبیدن» پاس گل هیات انتخاب جشنواره را بخوبی قدران بود و گل برتری‌اش را به ثمر رساند!

بسیار نیکو است، چرا که بخش بزرگی از تولیدات سینمایی موفق در جهان هم بر مبنای اقتباس از یک کتاب یا برداشتی از یک پرونده یا رخداد واقعی تولید می‌شوند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که تمام قصه‌های دنیا در ذهن یکی دو نویسنده نیست و باید چشم باز کرد و از قصه‌ها و رخداد‌های پرکششی که هر روز کنارمان می‌دهد، بهره برد.

در واقع لازم نیست همواره چرخ را از نو اختراع کنیم. کاظم دانشی یکی از استعداد‌های نوظهور سینمایی ایران است که با نگارش و ساخت فیلمنامه «علفزار» سری در سرها در آورد و در جشنواره چهل و دوم فجر، نویسنده فیلمنامه یکی از پرسروداترین فیلم‌های جشنواره بود. «بیبیدن» به رغم تکذیب خود نویسنده، بر اساس یک پرونده واقعی قضایی به نگارش درآمده است؛ پرونده قتل یک دختر توسط دوست‌پسرش و از بین بردن جسد او؛ جسدی که هیچ وقت پیدا نشد و حکمی که دال بر تمام شواهد قاتل بودن پسر را تأیید می‌کرد و اعدامی که پس از سال‌ها کش و قوس سرانجام رخ داد.

فیلم به وضوح مساله اعدام کردن یا نکردن قاتل، قصاص کردن یا نکردن، بخشیدن یا بخشیدن محکوم به اعدام و دشواری‌های صدور حکم قطعی درباره قتل و البته شیوه مواجهه خانواده و بستگان محکوم به قتل و مقتول را هدف گرفته است. طبیعتاً این چیدمان به خودی خود پرکشش است و پرتنش اما سوال این است: آیا نگارش یک فیلمنامه بر اساس یک رخداد واقعی، نویسنده را از پرداختن به ساختار و جزئیات در نگارش فیلمنامه بی‌نیاز می‌کند؟ ارزش افزوده‌ای که نگارش فیلمنامه برای رخداد واقعی به همراه دارد چیست؟ آیا نباید فیلمنامه هسته اصلی داستان واقعی را شناسایی و آن را به شکلی واضح و منسجم پرداخت کند و به روایت آن بپردازد؟ یک قتل رخ داده و یک جسد مفقود شده و یک پسر نوجوان به قتل محکوم شده است؛ حال کشمکش این است: او قاتل است یا نیست و اگر هست، با عفو روبرو می‌شود یا نمی‌شود؟ پس در این بین ماجرای اثبات قاتل بودن یا نبودن یا در نهایت مورد عفو قرار گرفتن یا نگرفتن، هسته اصلی قصه است. از سوی دیگر پرداختن به خانواده‌های قاتل و مقتول می‌تواند یک رگه داستانی دیگر باشد. یعنی پرداختن به شیوه زیست و تربیت آنها که در نهایت منجر به رشد پسر و دختری شده که حالا یکی‌شان قاتل است و دیگری مقتول. از سوی دیگر رگه اعتراض به صدور حکم اعدام و زیر سوال بردن اصل تشخیصی قطعی برای قصاص کردن یا نکردن یک منمهم به قتل رگه دیگری از داستان را شکل می‌دهد.

فیلمنامه «بیبیدن» اما تصمیم گرفته تمام

گروه فرهنگ و هنر: طرح فیلم بیبیدن یا در فرم تبلیغاتی‌اش «بیبیدن»، خفقا، خفقا و منطقاً همان فیلم «علفزار» (کاظم دانشی) است. با همان جنس آغاز، همان مدل کشش، همان سوز‌های نایافته و دیرپافته و همان التهاب ولی با پایانی بهتر از نسخه اصلی خود. جالب آنکه کاظم دانشی خودش سوز‌ها را از لای پرونده‌های قوه‌قضائیه بیرون کشیده، خودش فیلم را نوشته، خودش مجوز و تأیید ساختش را از قوه گرفته، خودش بازیگردانی کرده ولی خودش در پشت دوربین به عنوان «کارگردان» ننشسته است و همین نکته کوچک کلید ضعف‌های فیلم در روایت و تنه اصلی آن است. گویا دانشی، هم نخواسته زحمت فیلمنامه، سوز و مجوزش به باد برود، هم نخواسته «علفزار» را دوباره تجربه کند. هم برای هدایت تیم بازیگری قدر فیلم وسوسه شده، هم نخواسته درنسر دکوپاژ و تدوین را به جان بخرد. نتیجه اینکه اگر - و تنها اگر - بتوانیم فیلم را بدون «کاظم دانشی» تصور کنیم، یک موفقیت بزرگ و کم‌نظیر برای کارگردان در نخستین فیلم است. «بیبیدن» مصداقی است بر آن دسته از فیلم‌هایی که مجذوب ایده می‌شوند و در فرآیند تمجیل برای رسیدن به نسخه نهایی فیلمنامه و فیلم، از کیفیت‌های داستان‌پردازی و اجرا و کارگردانی نسبتاً غافل می‌مانند و تمام تمایزات و نشانی‌های شان آزاد نمی‌شود. سال‌هاست ضعف در هر جمله فیلمنامه‌نویسی گریبان سینمای ما را گرفته و سال‌هاست بسیاری از صابینظران این مساله را چشم‌اسفندیار تولیدات تصویری ایران می‌دانند. در این مسیر برخی فیلمنامه‌نویسان برای نزدیک شدن به ایده‌هایی جذاب و پرکشش از یک سو و سراغ گرفتن از مسائل قابل لمس برای مخاطب سینما، سراغ نگارش فیلمنامه بر اساس رخدادها و پرونده‌های قضایی واقعی رفته‌اند. این مساله به خودی خود



نگاهی به فیلم «بیبیدن» که این روزها در حال اکران آنلاین است

سوز‌ه قوی فیلمنامه ضعیف

نگاهی به پر مخاطب‌ترین فیلم سینمای ایران هم‌زمان با وخامت حال سعید راد، بازیگر نقش اصلی فیلم

از بغض تا غرور در عقاب‌ها

پیش نمی‌رود و حال ایشان بهبود پیدا نکرده است. این بازیگر پس از پیروزی انقلاب اسلامی و طی ۲۳ سال حضور در کشور در ۱۳ فیلم سینمایی و ۴ سریال تلویزیونی نقش آفرینی کرد. می‌توان به این نکته اشاره داشت که مهم‌ترین آثار کارنامه هنری او در سینمای پس از انقلاب به ثبت رسیده است: فیلم‌هایی چون عقاب‌ها، دول، چ و سرزمین مادری از جمله آثار این بازیگر است اما بدون شک یکی از مهم‌ترین فیلم‌های سعید راد فیلم عقاب‌ها است. فیلمی که با گذشت ۴ دهه از ساخت آن و با وجود اکران حدود ۸ هزار فیلم از ابتدای انقلاب تاکنون همچنان عنوان پر مخاطب‌ترین و پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را به خود اختصاص داده است؛ فیلمی که در آن سعید راد به عنوان نقش اول ایفاگر نقش یک خلبان در روزهای آغازین جنگ تحمیلی است.

از همین رو نگاهی انداختیم به خاطرات این هنرمند پیشکسوت از روزهای ضبط فیلم عقاب‌ها در سال ۶۴ که توسط موزه سینما با عنوان خاطرات شفاهی ضبط شده است. سعید راد درباره علل و دلایل موفقیت فیلم عقاب‌ها با گذشت ۴ دهه از ساخت اظهار داشت: فیلم شعاری نبود و تماشاگران قهرمان‌های کار راحت بودند، چرا که آنها از توده مردم بودند و با آنها حس هم‌زادپنداری داشتند به طوری که وقتی شخصیتی که رضا رویگری نقش آن را بازی می‌کرد، شهید شد خود من در سینما بغض کردم باوقتی آن ۲ نفر به مرز می‌رسیدند حس غرور به مخاطب منتقل می‌شد. مجموع این چیزها فیلم را موفق کرد و با اشاره به حضورش در این فیلم یادآور شد: ساموئل

گروه فرهنگ و هنر: «احمدسعید حق‌پرست‌راد» که به سعید راد معروف و مشهور است، چهارم آبان سال ۱۳۲۵ در حسن‌آباد تهران به دنیا آمد. او قبل از اینکه بازیگر شود، به طور کلیلاً حرفه‌ای بولینگ بازی می‌کرد. سعید راد با قد و قامت رعنا و چشمان نافذش در مهم‌ترین آثاری که بازی کرده اغلب در نقش ضدقهرمان دوست‌داشنتی ظاهر شده است.

این بازیگر شهرویر سال گذشته در منزل بر اثر یک حادثه دچار شکستگی لگن شد و اکنون با گذشت ۱۰ ماه همچنان در بستر بیماری است.

اما روز گذشته دختر این بازیگر پیشکسوت خبر از بهبود نیافتن او داد و طی گفت‌وگویی اعلام کرد: به دلیل اینکه پروتز مورد استفاده بخوبی در کمر او قرار نگرفته بود، دوباره آشکار و بعد از مراجعه به بیمارستان بار دیگر عمل جراحی انجام شد. پس از عمل به مدت ۸ هفته فیزیوتراپی مداوم انجام می‌شد اما متأسفانه به‌رغم فیزیوتراپی‌ها دیگر توانایی راه رفتن پیدا نکرد. دختر سعید راد با اشاره به اینکه پدرش هم‌اکنون ۷۹ سال دارد، بیان کرد: پس از ۲ عمل به دلیل درست قرار نگرفتن پروتز عودت ریه و مثانه نیز به مشکلات جسمی پدرم اضافه شد و به‌رغم مخالفت من و خانواده، با رضایت خودشان مجدد مورد عمل جراحی قرار گرفت اما متأسفانه عمل موفقیت‌آمیز نبود. او با اشاره به اینکه حدود ۱۰ ماه است راد در بستر بیماری است، گفت: هم‌اکنون پدرم تحت نظر پزشک در یکی از کلینیک‌های تهران در حال درمان است اما ۲ ماه است روند درمان بخوبی



متأسفانه امروز مطالعه بازیگران کم شده و حتی سناریوی‌شان را هم نمی‌خوانند. این بازیگر جای کارگردان‌هایی مانند خاچیکیان را در سینما خالی دانست و گفت: متأسفانه امروز همه چیز شوخی شده است. همه مدعی هستند و همه می‌خواهند کارگردان شوند و قواعد بازی سینما به‌هم خورده است. سینمای دفاع مقدس کارگردان‌های کاربلد و در واقع این کاره می‌خواهد، افرادی مانند درویش، حاتم‌کیا و زنده‌یاد ملاقلی‌پور. کارگردان‌هایی که این مقوله را کاملاً بشناسند.

مدیر کل دفتر موسیقی:

موسیقی ایرانی و آیینی در هم تنیده شده‌اند

اگر نیاز باشد آن را مرمت هم می‌کنیم؛ موسیقی نیز به این مرمت نیاز دارد و نمی‌توان آن را رها کرد، چرا که اگر فرو بریزد ما نیز فرو می‌ریزیم. تصور کنید ۲۰ سال بعد نوجوان هیچ چیزی از ریشه‌های خود ندارد. هر کدام از ما مسؤلیت وظیفه‌ای برای زنده نگه داشتن این اصالت داریم و باید آن را حفظ کنیم. مدیر کل دفتر موسیقی در پایان با اشاره به روح آثار موسیقایی گفت: آثار محسن چاوشی که خیلی دوست‌داشنتی هم هست از نظر محتوا و بار موسیقایی بشدت برگرفته از موسیقی ایرانی است. نوگرایی در ارکسترآسیون، استفاده از موسیقی تلفیقی و پاپ اشکالی ندارد، مهم روح اثر است که باید موسیقی ایرانی در آن جوشش داشته باشد. موسیقی‌هایی که رنگ و بوی آیینی و عاشورایی دارند، بشدت ایرانی هستند و باید زنده بمانند. متأسفانه روشنگری برای نسل جوان انجام نشده است. ما یک جا نشستیم و صرفاً می‌گوییم این خوب است و این بد است اما هیچ توضیحی درباره آن نداریم. مساله تبیین برای ما مساله‌ای است که همه صاحب‌نظران باید پای کار بیایند و وارد میدان شوند.

بودند که گاهی شما نمی‌دانستید معروف‌ترین خوانندگان زمان نوحه‌خوان بودند و برعکس؛ در مجموعه «برده عشاق» همه این نوحه‌ها جمع شده است. او ادامه داد: موسیقی سوگ بوشهر یکی از غنی‌ترین موسیقی‌های ما است؛ با تمام نوحه‌هایی که در مراسم‌های سینه‌زنی قدیم بوده است که گاهی نامنظم بود اما در هم تنیده در موسیقی ایرانی. ما بیش از حد تحت تاثیر ضدفرهنگ‌ها هستیم اما فرصت برای زنده کردن این امر را داریم. ما خودمان مقصر هستیم، چرا که رسانه را مهار نکردیم، در حالی که در همه جای دنیا رسانه مهاری می‌شود. باید یک نقطه سنجش و رصد در رسانه داشته باشیم و نگذاریم هر چیزی در آن اتفاق بیفتد. گاهی آنقدر فاصله ایجاد می‌شود که دیگر به آنچه داشتیم نمی‌رسیم. این سعی، تلاش، بازآفرینی و آوردن نغمه‌های سنتی می‌تواند فرهنگ آیینی خودمان را دوباره زنده کند. معتقدم هنوز ریشه‌ها را داریم و این نوشته کامل پاره نشده است. سمعی در ادامه تأکید کرد: ما در عین اینکه نمی‌گذاریم به میراث کهن و قدیمی‌مان خدشهای وارد شود،

دوباره سپید شنیداری مخاطب بر خود. مدیر کل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ با اشاره به اینکه باید از نظر کیفی و کمی دست به تولید اثر زد، گفت: برای زنده نگه داشتن اصالت‌ها و عادت کردن گوش تولیدکنندگان باید این کار را انجام داد. البته دوستانی هم هستند که در مقابل این موج ایستادگی می‌کنند اما من معتقدم این موج غالب می‌شود. کم‌اینکه ما دوباره پارچه‌نویسی عاشورایی را در مقابل بنرها باب کردیم و چند هم از آن استقبال خوبی انجام شد. این کارشناس موسیقی همچنین اظهار کرد: زمانی جهان‌بینی خطیب، واعظ و کسبی که مخاطب را به فیض می‌رساند، بشدت ریشه در سنت‌های موسیقایی و شعر ما داشت. نمونه بارز آن نوحه‌هایی است که این روزها وقتی به یادآوری از گذشته خوانده می‌شود اصطلاحاً دل همه را تکان می‌دهد و این جهان‌بینی نشأت گرفته از نگاه آن انسانی بوده که روی منبر می‌نشسته و جرح می‌خوانده است که بشدت با ریشه‌های موسیقی ایرانی عجین بود. در آن فصل از زمان، موسیقی ایرانی و موسیقی آیینی ما به قدری درهم‌تنیده